مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم/شماره دوم/بهار ۱۳۹۲
Journal of Iranian Social Development Studies 2013 (Spring), Vol. 5, No.2

گونه شناسی صندوق های قرض الحسنه و توانمندی زنان: مدل سنتی اعتبارات خرد در ایران

دکتر سهیلا علیرضانژاد[1]

چکیده

توانمندی زنان از ابعاد مهم توسعه در چند دهه اخیر است. از جمله برنامه هایی که در بخش های بزرگی از جهان برای توانمندی زنان اجرا شد، اعتبارات خرد بود. این برنامه با توجه به زمینه های فرهنگی متفاوت، نتایج گوناگونی به همراه داشت که لزوما همه آن ها با اهداف برنامه ریزان هماهنگ نبود. در این میان اشکالی از اعتبارات خرد به طور سنتی در نقاط مهم آسیا و خاورمیانه شناسایی شد. در ایران نیز از گذشته اشکالی از اعتبارات خرد وجود داشت که یکی از متداول ترین آن صندوق های قرض الحسنه است. در این پژوهش تلاش شد تا به این پرسش پاسخ داده شود که آیا این سازمان ها می توانند نقش توانمند سازی را برای زنان ایفا کنند؟ پژوهش با توجه به موضوع به روش کیفی انجام شد. از خلال آن چهارنوع صندوق غیررسمی قرض الحسنه شناخته شد که به نظر می رسد به نوعی در نیل زنان به سطوحی از توانمندی اجتماعی و اقتصادی موثر هستند.

کلید واژه ها: زنان ایرانی، توانمندی زنان، صندوق های قرض الحسنه، اعتبارات خرد

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۲/۲۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۳/۲۳

[1]. دانشیار جامعه شناسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی, واحد گرمسار soal802001@yahoo.com

مقدمه

استربزرف با نظریاتش توجه همگان را به این نکته جلب کرد که در خلال فرآیند توسعه به طور طبیعی همه گروه ها و اقشار جامعه از مواهب آن بهره مند نمی شوند؛ بلکه برعکس ممکن است برخی از آنان از این فرآیند متضرر شوند. زنان از جمله این گروه های به حاشیه رانده شده هستند که احتمال متضرر شدن آنان از فرآیند توسعه وجود دارد (Boserup, 1980). از آن پس مجموعه برنامه هایی با هدف توانمند کردن زنان و بهره مند شدن آنان از فرآیند مداخله توسعه ای، آغاز شد. یکی از این برنامه ها که به توانمند کردن بانوان به ویژه از دیدگاه اقتصادی می اندیشید، برنامه اعتبارات خرد است.

موفقیت های اولیه ناشی از وام های خرد در توان افزایی زنان طبقات پایین تر جامعه در بنگلادش به تدریج منجر به همه گیر شدن این برنامه در نقاط مختلف کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته، شد. این امر همچنین باعث شد که توجه بیشتری به اشکال سنتی اعتبارات خرد جلب شود. یکی از این اشکال که توسط مهاجران آسیایی به کشورهای اروپایی و آمریکایی منتقل و به آن جامعه معرفی شد، تحت نام صندوق های روسکا[1] شهرت یافت. ویژگی این صندوق ها آن بود که عمدتا بر پول های موجود در خود اجتماع محلی تکیه داشته و کمتر پولی از خارج از اجتماع بدان تزریق می شود (Anderson & Baland, 2002). به عبارت دیگر وام گیرندگان بر سرمایه های یکدیگر تکیه می کنند. این نوع از صندوق ها در بین آسیایی تبارهای مهاجر به انگلیس و آمریکا بسیار رواج داشت.

یکی از اهداف برنامه اعتبارات خرد ورود مقادیر اندک پول به اجتماعات محلی است که برای آنان فرصت کسب و کار و درآمدزایی فراهم می کند. بدین ترتیب مبالغ کوچک پول به جامعه تزریق می شود. ورود پول از بیرون ممکن است اثرات ویژه ای برجای گذارد که به از هم گسیختگی بنیادهای سنتی اجتماع محلی بیانجامد؛ بدون آن که شرایط مدرن را به نحو مطلوب جایگزین کند. از اینرو توجه به برنامه هایی که به طور سنتی و از طریق بهره گیری از منابع موجود در جامعه به فعالیت می پردازد می تواند تغییرات کمتری در ساخت اجتماع محلی، حداقل در کوتاه مدت، ایجاد کند و به اجتماع محلی اجازه دهد تا تغییرات را به تدریج درونی کرده و از صدمات ناشی از مداخله های توسعه در امان باشد. این امر به ویژه در باره زنان اقشار کم درآمد و پایین جامعه که کمتر فرصت درگیر شدن با مبالغ زیاد پول و نیز حضور در فضای عمومی جامعه را دارند، از اهمیت ویژه ای برخوردار است (Alirezanejad, 2013).

صندوق های قرض الحسنه با توجه به اعتقادات اسلامی ایرانیان از دیرباز در ایران فعال بود. این صندوق ها که معمولا ثبت شده نیستند، با سیستمی که در بانک ها به اجرا در می آید متفاوت است. بانک ها معمولا برای پرداخت وام شرایط ویژه ای از جمله دریافت وثیقه دارند که به تجربه، زنان معمولا قادر به فراهم کردن آن نبوده و کمتر در پی دریافت اینچنین وام هایی هستند؛ اما تقریبا اغلب زنانی که نگارنده ملاقات کرده است حداقل برای مدتی در این صندوق های غیررسمی عضو بوده اند زیرا نیازی به پرداخت وثیقه نداشته و در سخت ترین شرایط یک برگه چک را در اختیار صندوق قرار می دهند. بنا به اظهارات خانم های مصاحبه شده آن ها ممکن است در هر فضایی که دور هم جمع می شوند برای رفع نیازهایی که معمولا در باره آن با هم گفتگو می کنند، یک صندوق تشکیل دهند. صندوق های با جمعیت پایین معمولا هیچ تضمینی نمی خواهد اما صندوق هایی با جمعیت زیادتر در باره افرادی که از نزدیک نمی شناسند ممکن است درخواست ارائه یک برگه چک به عنوان تضمین نمایند. در سال های پس از انقلاب این صندوق ها رشد و گسترش بسیاری داشتند. زنان از جمله گروه هایی هستند که به اشکال رسمی و غیررسمی در این صندوق ها فعالند. نکته آن است که آیا مشارکت در این صندوق برای زنان فرصت های جدید فعالیت اقتصادی فراهم می کند؟ به عبارت دیگر آنان را توانمند می کند؟

[1] . ROSCA: Rotating Savings and Credit Association

چارچوب نظری

یکی از اولین اقداماتی که در فرآیند توسعه – به ویژه با هدف کاهش فقر و حمایت از گروه های به حاشیه رانده شده– انجام می شود، ایجاد فرصت های جدید برای انجام فعالیت های اقتصادی و تولید درآمد برای این گروه ها است. در مورد زنان در کشور ما و سایر کشورهای در حال توسعه، بهره برداری از صندوق های اعتبارات خرد مورد توجه قرار گرفت. به عبارت دیگر تلاش شد تا زنان از نظر اقتصادی توانمند شوند (Elychar, 2002: 505; Matin et al. 2002؛ معظمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۱۰). در همین راستا الایچر[۱] مردم شناس مصری می گوید در این رویکرد مقروض کردن مردم راهی برای توانمند شدن آنان تلقی می شود زیرا دریافت اعتبار یک حق تلقی می گردد (Elycher, 2002: 510). نگاه الایچر این باور را مطرح می کند که اعتبارات خرد زنان را تبدیل به افرادی مقروض می کند. بررسی های نگارنده نیز در مواردی نشان داده است که فعالیت های زنان به ویژه زنان روستایی در صندوق های اعتبارات خرد و همچنین تعاونی ها آن ها را به افراد مقروضی تبدیل کرده است، که منابع درآمدی پایدار برای بازپرداخت قروض خود را ندارند. این در حالی است که اعتبارات خرد راه پذیرفته شده ای برای توان افزایی اقتصادی زنان تلقی می شود.

یونس معتقد است که وام های خرد به زنان فقیر پرداخت می شود تا آنان را قادر به شکل دهی یک کسب و کار نماید. او انتظار دارد که این زنان بتوانند با درآمد ایجاد شده قرض خود را باز پس داده و ضمن بهبود سطح زندگی خانوار، مقداری هم پس انداز نمایند تا به کسب و کار خود رونق بخشند (Yunus, 2007: 72-73). به زعم او زنان در خلال این فرآیند توانمند می شوند.

این برنامه اگر چه امکان فعالیت ها و تمرین های اقتصادی و در نتیجه توانمندی اقتصادی آنان را فراهم می آورد (Woolsey Biggart, 2001: 512) اما درعین حال ممکن است موجب درگیر شدن آنان در فعالیت های اقتصادی ای که تجربه کافی برای آن را ندارند و نیز مقروض شدن آنان را فراهم کند. این شرایط همچنین ممکن است به طور ناگهانی بر انتظارات از نقش زنان در خانواده بیافزاید. فقدان تجربه این زنان برای درگیر شدن در فرآیند تجارت با سازمان های رسمی، کار با بانک و نیز مبالغ پولی که از مخارج معمول روزمره آنان بیشتر است، می تواند این فرآیند را تشدید کند (علیرضانژاد و حایری، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر ممکن است مداخله توسعه ای نتیجه معکوس در پی داشته باشد.

در ایران به طور سنتی انواعی از اعتبارات خرد به ویژه در مناطق روستایی وجود داشت. مثلا مالکین از جمله گروه هایی بودند که وام های کوچکی را به روستاییان پرداخت می کردند (نجفی، ۱۳۸۴: ۹۸)، اما نکته مهم آن است که این فرصت ها عمدتا در اختیار مردان بود و زنان به عنوان کارگران بدون مزد خانگی که در فضای رسمی روستا حضور نداشتند[۲]، نمی توانستند این وام ها را دریافت کنند. مصاحبه های انجام شده و مراجعه به اخبار بانک ها نیز نشانگر آن است که زنان ایرانی به ویژه در اقشار فقیرتر و کم درآمدتر که امکان ارائه ضامن یا وثیقه بانکی را ندارند، معمولا برای دریافت وام به بانک رجوع نمی کنند. پژوهش ها حاکی از آن است که ارتباط زنان با نظام بانکی نیز بیشتر در گشایش حساب های سپرده کوتاه مدت یا قرض الحسنه خلاصه می شود و آن ها معمولا برای دریافت وام رجوع نمی کنند و نیز به این تسهیلات رفاهی دسترسی ندارند (دیهیم و وهابی، ۱۳۸۲). در خلال مصاحبه های انجام شده نیز زنان تجربه چندانی در دریافت وام از بانک نداشتند. این تجربه عمدتا به دریافت وام ازدواج خلاصه می شد.

توانمندی

مفهوم empowerment که در منابع مختلف معادل های متفاوتی از قبیل توانمندسازی، توانمندی و توان افزایی به خود گرفته است، مفهومی پیچیده و دارای ابعاد چندگانه است. از جمله این جنبه ها می توان به توانمندی فردی[۳]، توانمندی اجتماعی[۴]، شبکه شدن[۵]، توانمندی جمعی[۶]، توانمندی سیاسی[۷]، توانمندی اقتصادی[۸]، و غیره اشاره کرد (شادی طلب، ۱۳۸۱: ۵۴؛ فرخی،

۱۳۷۶: ۷۶؛ شکوری و دیگران، ۱۳۸۶: ۵ ; Elycher, 2010). رویکردی عمدتا اجتماعی توانمندی را نوعی فرآیند کنش اجتماعی می داند که افراد، اجتماعات و سازمان ها از خلال آن نوعی سروری و تسلط بر زندگی خود را به دست می آورند (Peterson and Hughey, 2004: 533). با توجه به این تعریف، پیوندی بنیادین بین این مفهوم و مفهوم قدرت وجود دارد. در سنت جامعه شناسی به طور معمول مفهوم قدرت با تعریف وبری از آن پیوند دارد. طبق این رویکرد امکان این که فرد یا گروه الف بتواند فرد یا گروه ب را مجبور کند که کاری را برخلاف میل خود انجام دهد، معادل با قدرت تلقی می شود (دیلینی، ۱۳۸۷: ۲۱۳). در این تعریف ماهیت جنسیتی قدرت نادیده گرفته می شود.

در فرآیند توانمندسازی افزایش قدرت یک گروه یا بخش از جامعه به معنای کاهش قدرت بخش دیگر نیست. بدین ترتیب منابع قدرت محدود نبوده و گروه های مختلف اجتماعی می توانند توانمند شوند بدون آن که از توان گروه دیگری کاسته شود. به عبارت دیگر فرآیند توانمندشدن زنان لزوما به معنی کاهش قدرت مردان نیست. لیز کلی[] بر این باور است که در پی فرآیند توسعه می توان و باید به این نوع اخیر از قدرت دست یافت (Rowlands, 1995: 102).

توانمندی زنان

پیش از این ذکر شد که توانمندی ابعاد متفاوتی دارد. در این مقاله توانمندی اقتصادی از اهمیت محوری برخوردار است زیرا یک کنش اقتصادی را مدنظر قرار می دهد. اما ملاحظه توانمندی به مثابه یک امر تام اجتماعی مبین وجود نوعی رابطه درونی بین ابعاد مختلف توانمندی است. مویل[] و دولارد[] متذکر می شوند که زنان در مسیر توانمندی اقتصادی نیاز به سطحی از توان و درخواست های اقتصادی دارند تا بتوانند مسئولیت ها را در باره معیشت خود به عهده گیرند (۲۰۰۲: ۱۰۶). این دو بر این باورند که توانمندی فردی زمانی به دست می آید که زنان بتوانند به نحوی پایگاه اجتماعی خود را درونی کرده و با به چالش کشیدن این وجه نظر، توانایی های درونی خود را بشناسند و به واقعیت تبدیل کنند. آن ها همچنین براین باورند که با افزایش اعتماد به نفس و احترام به خود، درک یک زن از خود تغییر کرده و قدرت فردی او افزایش خواهد یافت. موزر[] معتقد است که درآمد داشتن بخشی مهم از توانمندی فردی است. این نکته نیز از اهمیت محوری برخوردار است که توانمندی فردی با کیفیت های درونی زنان مرتبط است. این حق که فرد باید انتخاب های خاص خود را در خلال زندگی اش انجام دهد و بر روند تغییرات در زندگی شخصی و خانوادگی خود تاثیرگذار باشد؛ منوط به آن است که کنترل منابع مادی و غیرمادی زندگی خود را به دست آورد؛ این ویژگی یکی از بنیادی ترین جنبه های توانمندی فردی است (همان: ۱۶۱).

توانمندی جمعی از دیگر جنبه های توانمندی است. توانمندی جمعی عملا به شبکه روابط اجتماعی زنان توجه دارد. در اجتماعات محلی زنان به طور سنتی به شبکه ای از روابط حمایتی متصل هستند. زنان همسایه در مراسم ها، مهمانی ها و غیره به یکدیگر یاری می رسانند. متین[] نوعی رابطه دو سویه را بین زنان طبقات فقیرتر معرفی می کند که در خلال آن زنان به یکدیگر پول قرض می دهند (Matin et. Al, 2002: 276). در رویکردی مشابه در برخی روستاهای اطراف گرمسار تعدادی از زنان در باره شکل گیری صندوق قرض الحسنه گفتند که "زمانی یکی از خانم ها نیاز به بیست هزار تومن پول داشت و هیچ یک از ما این پول را نداشت. ما با خود اندیشیدیم که این ضعف بزرگی است و تصمیم گرفتیم فکری در این باره بکنیم و بدین ترتیب صندوق قرض الحسنه ما شکل گرفت. آلان همیشه برای شرایط اضطراری مقداری پول داریم." آن ها اضافه کردند که "این پول ها را زیر فرش های خانه پنهان و جمع می کنند." به عبارت دیگر آن ها به بانک یا هیچ نهاد رسمی دیگری مراجعه نمی کنند. نکته مهم در این میان احساس قدرت این زنان و شبکه حمایتی ای که با استفاده از منابع محدود خود ساختند، است. این حرکت بدون هیچ گونه کمکی از بیرون از گروه زنان انجام شد. زنان ایرانی در قالب الگوهای همیاری سالیان درازی است که این حمایت های توانمندساز را در سیمای سنتی آن به نمایش گذارده اند (فرهادی، ۱۳۸۰). شاید صندوق های قرض الحسنه را نیز بتوان یکی از انواع همیاری های زنانه دانست.

توانمندی اقتصادی معمولا حاصل اولین گام ها در فرآیند توسعه است زیرا نمی توان تصور کرد که زنان از موقعیت بهتری برخوردار باشند، بدون آن که به منابع مالی بیشتری دسترسی پیداکنند. توانمندی اقتصادی زنان حاصل نمی شود بدون آن که به چند نکته توجه شود:

۱- زنان طبقات فقیر معمولا در نوعی اقتصاد کوچک[۱] فعالیت می کنند که کلیه فعالیت های اقتصادی از قبیل تولید، تجارت و غیره همه در سطحی خرد و فامیلی انجام می شود، در نتیجه بر هزینه های معاملاتی[۲] به طور جدی افزوده خواهد شد.

۲- سطح بسیار بالایی از صدمه پذیری جنسیتی (عدم امنیت و خطرپذیری) در جریان درآمدها و هزینه های آن ها وجود دارد. به عبارت دیگر شرایط زنان درمقایسه با مردان به شدت ناپایدار است. همچنین مشکلات محیطی از قبیل بحران های اقتصادی، عملکرد نامناسب نظام بانکی و غیره بر زنان بیشتر از مردان تاثیرگذار بوده و مانع از موفقیت اقتصادی زنان فقیر می شود (Matin et.al, 2002: 275).

شایان توجه است که گاه مهاجرت و یا فقدان مرد، موجب ایجاد فرصت برای زنان می شود و آنان امکان فعالیت های جدی تر در عرصه اقتصادی و تصمیم گیری های مرتبط با اقتصاد خانواده، را به دست می آورند (شادی طلب، ۱۳۸۱).

نکته مهم در این میان اندازه گیری میزان توانمندی به ویژه از منظر جنسیتی است. حاصل این مطالعات به این نتیجه رسید که هرچه یک زن مدت طولانی‌تری عضو یک طرح اعتباراباشد بیشتر محتمل است که توانمند باشد (Hashmi et al, 1996).

بدین ترتیب به نظر می رسد که زنان به طور معمول علاقمند به دریافت اعتبارات خرد هستند. صندوق های قرض الحسنه غیررسمی یکی از راه های دسترسی زنان به اعتبارات خرد است. عضویت در این صندوق ها زنان را از نظر اقتصادی توانمند کرده و فرصت شرکت در فعالیت های اقتصادی را برای آنان فراهم می کند. همچنین به دلیل آسانی دسترسی به این صندوق ها برای زنان، امکان فعالیت طولانی مدت آن ها در این صندوق ها برایشان فراهم است. این صندوق ها زنان را به شکل شبکه ای از افراد همیار[۳] به یکدیگر پیوند می دهد و می تواند علاوه بر توانمندی اقتصادی نوع از توانمندی اجتماعی و تشکیل شبکه همیاری را برای آنان فراهم آورد.

روش پژوهش

روش پژوهش معمولا تحت تاثیر موضوع پژوهش و نیز چارچوب نظری آن قرار دارد. این پژوهش راجع به فعالیت های اقتصادی زنان ایرانی است. این دو موضوع هر دو بخشی پنهان از جامعه ایرانی است. از اینرو به نظر می رسد که در انجام این پژوهش نیاز به انجام مطالعه عمیقتر و کیفی است تا احتمال نیل به حقیقت بیشتر شود.

ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه های نیمه ساخت یافته بود که معمولا در مکان و زمانی که برای مصاحبه شونده ها مناسب بود، برگزار شد. مصاحبه ها زمان های متفاوتی را با توجه به تمایل مصاحبه شونده در برمی گرفت. گاه با توجه به شرایط مصاحبه شونده ادامه مصاحبه در جلسات بعدی برگزار شد (Creswell, 1994; Reinharz, 1192: 18-32). حدود ۳۰ زن در این مصاحبه ها شرکت کردند. با شش مرد نیز مصاحبه شد که یا همسرانشان عضو صندوق های قرض الحسنه بودند و یا خود اداره صندوق قرض الحسنه ای را برعهده داشتند. زنان مصاحبه شده از بین اعضا و یا مدیران این صندوق ها بودند. ضمنا با حدود ۱۰ زن که هم اکنون عضو صندوق قرض الحسنه نبودند، نیز گفتگو شد.

گونه شناسی صندوق های قرض الحسنه زنان

صندوق های قرض الحسنه غیررسمی نوع خاصی از شبکه های همیاری زنانه است. اغلب زنان مصاحبه شونده در باره صندوق های قرض الحسنه می گویند "ما هر لحظه که بخواهیم می توانیم این صندوق ها را تشکیل دهیم یا آن ها را تعطیل کنیم. در یک مهمانی، هنگام کار و یا حتی با قرار های تلفنی." آن ها می افزایند "به محض این که به این نتیجه برسیم که نیازی داریم که به

کمک هم می توانیم آن را تامین کنیم، صندوق تشکیل می شود." آن ها همچنین می گویند "یک دوره که تمام شد و همه وام گرفتند اگر خواستیم صندوق را تعطیل می کنیم یا دوره جدیدی را شروع می کنیم." چند تن از آن ها که کمتر از سی سال داشتند و شاغل بوده و حساب بانکی داشتند می گفتند "لزومی ندارد که حتما همدیگر را ببینیم. اگر شد مهمانی می دهیم؛ اگر نشد تلفنی قول و قرارها را می گذاریم. پول ها را از طریق کارت به حساب یکدیگر می فرستیم. صندوق کار می کند." آن ها البته ترجیح می دهند در قالب روضه ها، مهمانی ها یا دوره های زنانه به تشکیل این صندوق ها بپردازند. به قول یکی از این بانوان"هم فال است و هم تماشا."

بانوان بر این باورند که آن ها "نیازی به روابط رسمی" ندارند از اینرو اغلب این نوع صندوق های قرض الحسنه ثبت نمی شوند و با توجه به نیاز بانوان به وجود می آیند و ناپدید می شوند. گاه غیرفعال می شوند یا سال های متمادی به فعالیت خود ادامه می دهند. به نظر می رسد انعطاف پذیری مهمترین ویژگی این صندوق ها است که موجب همه گیر شدن آن در بین زنان شده است. با توجه به اعتماد موجود بین اعضا، صندوق ها به فعالیت خود ادامه می دهند. سیال بودن و نیز ثبت نشدن این صندوق ها اجازه فراهم کردن داده قابل اعتمادی در باره تعداد آن ها را نمی دهد اما بیش از ۲۰ تن از زنان مصاحبه شده همزمان در بیش از دو تا سه صندوق از این نوع عضو بودند. آن ها از عضویت در این صندوق ها راضی بودند زیرا به آن ها فرصت خرید اشیایی مثل تبلت، زیورآلات، سکه طلا، و نیز فراهم کردن پس انداز را می دهد.

تصمیم گیری در باره وام

زنان شاغل معمولا در مورد وام های دریافتی از این صندوق ها شخصا تصمیم می گرفتند و همسران آن ها دخالت چندانی در کار نداشتند. اما شرایط برای زنان خانه دار متفاوت است. در هر صورت معمولا مردان از وجود این صندوق ها و نقش بانوان در آن آگاه هستند و نسبت به ان حساسیتی ندارند.

چنانکه پیش از این اشاره شد، زنان در ایران معمولا به ویژه در اقشار پایین تر چندان با سیستم بانکی در ارتباط نیستند. سیستم بانکی برای پرداخت وام نیاز به فیش حقوقی وام گیرنده، وثیقه معتبر از قبیل سند منزل و نیز افرادی که با ارائه مدارک رسمی وام گیرنده را حمایت کرده و اعلام نمایند که در صورت عدم پرداخت اقساط وام از طریق وام گیرنده، آنان این مسئولیت را به عهده خواهند گرفت دارد؛ و معمولا زنان از فراهم کردن یکی یا همه این امکانات محرومند. ضمنا بانوان اظهار می کنند که "اگر همسرم ضمانت کند او صاحب وام خواهد بود." از اینرو تعداد زیادی از زنان مصاحبه شونده یا از وام ازدواج و یا نهایتا وام مسکن بهره برده اند و در مورد دیگری نتوانسته اند از سیستم بانکی بهره برند. برخی از بانوان پاسخ گو که شاغل بودند از وام بانکی با ضمانت همسرشان استفاده کرده بودند؛اما برخی از آنان اظهار کرده بودند که پول وام نهایتا در مسیری که آن ها می خواستند، هزینه نشده بود. مثلا یکی از بانوان در پی دریافت وام برای خرید منزل جدید بود اما به دلیل آن که نمی خواست همسرش در خانه جدید با او شریک باشد، نهایتا نتوانست خانه بخرد و پول با نظر همسرش صرف خرید خودروی جدیدی شد که به نام و در کنترل مرد خانه بود. از اینرو به نظر می رسد که مردان توجه کمتری به تملک وام صندوق های قرض الحسنه دارند در حالی که نسبت به وام های بانکی بانوان با حساسیت بیشتری عمل می کنند.

بانوانی که معمولا می توانستند با راحتی بیشتری به سیستم بانکی دسترسی یابند معمولا کمتر عضو صندوق های قرض الحسنه خانگی بودند.

انواع صندوق ها

با توجه به اظهارات بانوان مصاحبه شونده و نیز مردانی که در این مصاحبه ها شرکت کردند، به طور کلی صندوق هایی که زنان در آن ها به عضویت در می آیند به چند دسته تقسیم می شوند:

- صندوق های فامیلی و همسایگی که پیرامون شبکه روابط خانوادگی در بین فامیل یا همسایگان شکل می گیرد. این نوع صندوق ها خود به دو دسته تقسیم می شود. ۱- صندوق هایی که زنان به همراه همسران یا سایر اعضای خانواده خود اعم از زن یا مرد در آن شرکت می کنند ۲- صندوق هایی که فقط زنان در آن عضو هستند. ممکن است فرزند دختر خانواده یا مادر و همسر بانویی که عضو صندوق است بنا به معرفی او در این صندوق ها به عضویت در آیند. این صندوق ها خود به دو دسته تازه تاسیس و قدیمی تقسیم می شوند. صندوق های قدیمی زنان که گاه ده ها سال از تاسیس آن می گذرد در پیوند با مراسم های مذهبی زنانه مثل انواع روضه ها یا مولودی ها قرار دارد. خانم ها در این مراسم ها شرکت و معمولا در بخش های پایانی مراسم، به امور مالی صندوق رسیدگی می کنند. رسیدگی به امور مالی بسیار ساده و متکی بر اعتماد – به ویژه اعتماد به مسئول صندوق- است. در این مدل از صندوق ها، پول اغلب به طور نقدی دست به دست می شود و مسئول صندوق مسئول تحویل دادن و یا تحویل گرفتن آن است. آن ها به بانک یا هر نهاد رسمی دیگری مراجعه نمی کنند و مشکلات احتمالی ایجاد شده را بین خود حل می کنند. مسئول صندوق به طور معمول از حاصل این زحمات بهره ای نمی برد و و بیشتر برای پاداش اخروی و انجام خیر به کار خود ادامه می دهد. این زنان از اعتماد و احترام زیادی در نزد زنان فامیل و یا همسایه برخوردارند. این گونه صندوق ها گاه ده ها سال به کار خود ادامه می دهند.

صندوق های تازه تاسیس معمولا از زنان جوانتر تشکیل شده است. تعداد اعضای این صندوق ها محدودتر بوده و معمولا گروه های ۱۰-۱۵ نفره فامیلی یا دوستان را شامل می شود. در نوع اخیر معمولا پول نقد دست به دست نمی شود و بانوان از طریق کارت بانکی به انتقال پول از حساب خود به حساب دیگر اعضا می پردازند. در این صندوق ها مسئول صندوق به طور معمول از امتیاز دریافت اولین وام برخوردار است.

- صندوق هایی که در سازمان های رسمی ای که زنان شاغل در آن فعالند شکل گرفته است. این صندوق ها می تواند با نظارت مسئولین و یا در درون خود کارکنان شکل بگیرد. ممکن است اعضای صندوق ها از بین زنان و مردان و یا فقط از زنان تشکیل شود. در صورتی که صندوق فقط از زنان همکار تشکیل شود و زیر نظر نهادهای رسمی سازمانی نباشد از نظر عملکرد کاملا شبیه صندوق هایی است که زنان جوانتر در محیط های دوستانه یا فامیلی شکل می دهند.
- صندوق های قرض الحسنه ای که پیرامون مساجد، حسینه ها و تکیه ها شکل می گیرد و زنان نیز در آن به عضویت پذیرفته می شود. مدیران این گونه صندوق ها معمولا از بین مردان هستند. در این صندوق ها بودجه اولیه صندوق از طریق خیرین محلی یا فعالین مسجد تهیه شده و اعضا به تدریج بر آن می افزایند. این صندوق ها به طور معنی داری با سایر صندوق ها فرق دارد زیرا آورده اولیه صندوق متعلق به خیرین بوده و از امکانات اعضا نیست. در این صندوق ها، عدم پرداخت اقساط وام بیشتر از دیگر انواع صندوق ها است. به نظر می رسد وجود خیرین محلی و ورود پول و منابع مالی از خارج از اجتماع محلی موجب این رفتار می شود[□□□□□].
- صندوق هایی که پیرامون روابط کاری بانوان در بخش غیررسمی شکل می گیرد. بانوان شرکت کننده در این صندوق ها معمولا روابط کاری و نیز دوستانه با هم دارند. اعتماد بین آن ها بالاست و معمولا ورود و عضویت در این صندوق ها بسیار مشکل است. مبلغ وام های این صندوق ها از همه انواع دیگر بالاتر است. نکته مهم آن است که بانوان برای عضویت در این صندوق ها علاوه بر آشنایی و رابطه نزدیک دوستانه با دیگر اعضای صندوق لازم است از مقداری پس انداز برخوردار باشند. شاید این ذهنیت به وجود آید که این زنان دارای درآمد بالا یا ثروتمند هستند اما در خلال مصاحبه ها مشخص شد که اعضای این صندوق ها برای فراهم کردن سرمایه اولیه ورود به صندوق تلاش بسیاری کرده اند. یکی از این بانوان به مدت دو سال هر گونه درآمد اضافی را پس انداز کرده و به شدت صرفه جویی کرده بود تا بتواند آورده لازم برای ورود به صندوق را فراهم کند. اعضای این صندوق ها

بسیار محدود است و معمولا بانوان عضو از حمایت همسران یا پدران خود استفاده نمی کنند یا از حضور این پشتیبانان سنتی بهره مند نیستند.

جدول ۱: انواع صندوق های قرض الحسنه که زنان در آن عضویت دارند

ردیف	نوع صندوق	جنسیت اعضا
۱	صندوق های خانوادگی	هر دو جنس/ فقط زنان
۲	صندوق های اداری	هر دو جنس/ فقط زنان
۳	صندوق های وابسته به مساجد و دیگر نهادهای مذهبی	هر دو جنس
۴	صندوق های حمایتی زنان در بخش غیررسمی	فقط زنان

منابع صندوق و توانمندی زنان

صندوق های خانوادگی از متداولترین انواع صندوق های قرض الحسنه هستند. این صندوق ها می توانند در مهمانی یا گردهم آیی خانوادگی و همسایگی شکل گرفته و یک دوره به کار خود ادامه داده و سپس ناپدید شوند و یا پس از مدتی با اعضایی تا حدی متفاوت دوباره شروع به کار نمایند. در این صندوق ها ممکن است زنان و مردان در کنار هم شرکت داشته باشند.

با توجه به نتایج حاصل از مصاحبه ها به نظر می رسد که در این قبیل صندوق ها اگر مبلغ وام پایین و تا حد ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان باشد، معمولا زنان آن را دریافت می کنند. طبق اظهارات خانم ها این وام ها می تواند صرف امور ضروری ناگهانی خانوادگی از قبیل ثبت نام بچه ها و یا کمک هزینه یک بیماری ناگهانی و یا یک سفر شود و معمولا مردان مسئول بازپس دادن آن هستند. در موارد معدودی خانم ها اظهار کرده اند که از وام حاصل از این صندوق ها برای امور شخصی و یا پس انداز استفاده می کنند. در این قبیل موارد زنان از طریق پس اندازهای کوچکی که از خرج خانه یا پول توجیبی خود انجام می دهند، به بازپرداخت وام می پردازند. البته این امر در مواردی که صندوق ها زنانه است بیشتر اتفاق می افتد. سه تن از مردان اظهار کرده اند که وام های دریافتی از این صندوق ها را نیز تحت نظارت گرفته و برای پیشبرد امور خانواده و یا ضروریاتی که به عنوان رئیس خانواده تشخیص می دهند استفاده می کنند. در مورد اخیر زنان فقط کانالی هستند که وام از طریق آنان پرداخت می شود و برنامه ریزی و تصمیم گیری در باره وام و نیز بازپرداخت آن بر عهده مردان است.

صندوق های خانوادگی روابط خانوادگی را تحکیم می کند و گاه فرصتی برای خرید زیورآلات طلا یا داشتن یک حساب بانکی را برای زنان فراهم می کند؛ اما با توجه به آن که معمولا مردان در جریان آن هستند خیلی تحت کنترل زنان نیست. زنان معمولا از این وام ها برای پیشبرد یک کسب و کار کوچک استفاده نمی کنند بلکه بیشتر در راه مصارف عمومی خانواده هزینه می شود. اما این صندوق ها فرصت های مالی کوچکی برای آنان فراهم کرده و ضمنا شبکه حمایتی آن ها را تقویت می کند. به عبارت دیگر بر شبکه شدن آنان تاثیرگذار است.

صندوق های دسته دوم که بیشتر در ادارات و حول محور روابط شغلی شکل می گیرد (به ویژه اگر از حمایت سازمانی هم برخوردار باشند). این صندوق ها معمولا بیش از ده میلیون ریال وام می دهند. معمولا باز پرداخت وام ها در طی ده قسط صورت می گیرد. اگر این صندوق ها تحت نظارت سازمانی باشد معمولا پرداخت وام طی درخواست رسمی و با توجه به نوبت و بدهی فرد انجام می گیرد اما در صورتی که تعدادی از کارکنان دور هم جمع شده و صندوقی تشکیل داده باشند در اولین جلسه قرعه کشی شده و نوبت همه اعضا مشخص می شود. معمولا دو فردی که در آخر نوبت قرار دارند از وام بهره نمی برند. برای رفع این مشکل در سری بعدی پرداخت وام، نوبت های نخست را خواهند داشت. مسئولین صندوق معمولا دستمزدی دریافت نمی کنند، اما ممکن است به پاس وظایفی که انجام می دهند، نوبت اول دریافت وام به آن ها داده شود. جند نمونه ار ابن صندوق ها در حاشیه خود یک صندوق خیریه برای کمک به زنان دیگر در مواقع اضطراری فراهم کرده اند. این بخش از صندوق با معرفی یکی از اعضا از

وام برخوردار می شود و فرد معرفی کننده موظف به بازپرداخت است. در این صندوق ها در واقع شبکه حمایتی برای کمک زنان به یکدیگر فراهم شده است. این صندوق ها معمولا قدیمی و از امکانات مالی خوبی برخوردارند. برخی از خانم ها که نیاز مالی چندانی ندارند در صندوق عضو می شوند و منابعی در اختیار آن قرار می دهند تا زنان محرومتر از آن بهره ببرند. در این صندوق ها گزارش چندانی از عدم پرداخت یا ضرر مالی صندوق دیده نشده است[۳]. این صندوق ها ضمن حمایت مالی بانوان، شبکه حمایتی زنانه ای را تشکیل می دهد که در مشکلات ناگهانی و حل مسایل روزمره به زنان یاری می رساند.

صندوق های نوع سوم که وابسته به مساجد و حسینیه ها است معمولا توسط چند خیر محلی شکل می گیرد و مردم محلی با توجه به معرفی معتمدین وام دریافت می کنند. بیشتر خیرین از بین مردان هستند[۴]. وام های این صندوق ها معمولا کمتر از پنج میلیون ریال است. دو صندوق تا ده میلیون ریال وام می دادند. اما در موارد استثنایی ممکن است مبالغ بیشتری وام داده شود. مثلا زنی که فرزند سرطانی داشت توانست سی میلیون ریال از صندوق وام بگیرد. در این صندوق ها معمولا هم مردان و هم زنان عضو هستند. مدیران آن معمولا مرد هستند و بهره برداران از صندوق ها هم اغلب از مردان هستند. اما زنان، به ویژه اقشار فقیر، نیز به آن دسترسی دارند.

مسئولان این صندوق ها اظهار کردند که زنانی که نیازمند دریافت وام بودند، به ویژه زنان سرپرست خانوار؛ به آن ها برای دریافت وام معرفی شده اند. یک مورد از عدم پرداخت وام مربوط به زنی سرپرست خانوار بود که از محل وام یک دستگاه سبزی خوردکن خرید و کار خود را آغاز کرد. این خانم البته وام خود را باز پس نداد زیرا به زعم خود "آن میزان درآمد نداشت که هم هزینه های خانواده را بدهد و هم اقساط خود را بپردازد." خیرین درگیر در این صندوق ها موارد متعددی از عدم بازپرداخت وام را گزارش کرده اند. حتی برخی از این صندوق ها در درازمدت نتوانستند به کار خود ادامه دهند. به نظر می رسد تعلق سرمایه اولیه به خیرین باعث می شود که وام گیرندگان در برخی موارد چندان خود را متعهد به بازپرداخت وام ندانند. در این صندوق ها زنان ممکن است بتوانند برای پیشبرد کسب و کار کوچک، وام دریافت کنند اما بیشتر اعضای این صندوق ها گفتند که مبلغ آن اندک بوده و معمولا برای هزینه های جاری و رفع مشکلات ناگهانی از قبیل بیماری از این وام ها استفاده می شود.

نوع چهارم صندوق ها از انواع جدیدتر و در عین حال از مهمترین آن ها در فرآیند توانمندی اقتصادی زنان است. این صندوق ها از مجموعه ای از بانوان تشکیل می شود که کسب و کاری را مدیریت می کنند، که خود فراهم کرده اند. این زنان معمولا روابط کاری و دوستانه ای با هم دارند. تعداد اعضای این صندوق ها معدود، ورود به آن سخت، اما اعضا از سطح بالایی از اعتماد نسبت به هم برخوردارند و با سطح تعیین شده ای از سرمایه به عضویت صندوق در می آیند. این نوع از صندوق ها وام های بالاتری به نسبت سایر صندوق ها می پردازند و زنان به طور معمول این وام ها را برای کسب و کار مورد استفاده قرار می دهند. آن ها خود مسئول بازپرداخت وام هستند. برخی از این صندوق ها بین صد تا سیصد میلیون ریال وام پرداخت می کنند.

نکته مهم آن است که اعضای صندوق به طور جدی از هم حمایت می کنند. آن ها می گویند "از هم حمایت فکری و عاطفی می کنیم اما در مورد مسایل مالی حساب و کتاب دقیقی داریم." این بانوان معمولا به طور مرتب اقساط خود را می پردازند. آن ها می دانند که "عدم پرداخت به موقع قسط توسط ما به شغل و درآمد دیگر اعضای صندوق صدمه خواهد زد." بسیاری از زنانی که عضو این صندوق ها هستند به خرید و فروش لوازم زنانه، اداره مزون ها، اداره اماکن ورزشی یا کار آرایشگری مشغول هستند؛ اما درخلال مصاحبه ها زنان با مشاغل دیگر هم اظهار علاقه کرده اند که عضو این صندوق ها شوند.

در نوع اخیر صندوق های قرض الحسنه، زنان به طور مشخص با یک طرح درآمدزایی به صندوق می پیوندند. این بدان معنی نیست که آنان ضرر نمی کنند و یا شکست نمی خورند بلکه به نظر می رسد که آن ها می خواهند که در این عرصه فعالیت کرده و باقی بمانند. آنان همچنین با شبکه ای از دوستان که در مشکلات به یاری شان می شتابند، مرتبط هستند.

جمع بندی

این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا صندوق های قرض الحسنه می توانند به مثابه نوعی مدل اعتبارات خرد بومی در مسیر توانمندی زنان به کار آیند؟ در خلال پژوهش انجام شده چهار نوع کلی صندوق قرض الحسنه که زنان در آن عضویت دارند شناسایی شد، که عبارتند از:

۱- صندوق های خانوادگی- همسایگی و دوستانه,

۲- صندوق های وابسته به مساجد

۳- صندوق های وابسته به ادارات و مشاغل

۴- صندوق های دوستانه مبتنی بر همکاری

صندوق هایی که از اعضای زن تشکیل شده و آن ها را به همر مربوط می کنند نقش مهمی در شکل گیری شبکه های حمایتی زنانه دارند. نکته مهم آن است که پایدارترین و موفق ترین این صندوق ها متکی بر شکل گیری گروه هایی از نوع نخستین است. روابط چهره به چهره بوده و افراد به واسطه یا بی واسطه با یکدیگر مرتبطند و سطح بالایی از اعتماد در بین آن ها وجود دارد. دو نوع اول و سوم اشکال قدیمی تر و سنتی تر صندوق های قرض الحسنه هستند و مبالغ اندکی به مثابه وام پرداخت می کنند. نکته مهم آن است که در این دو نوع صندوق، زنان با تکیه به شرایط خانوادگی شان شرکت می کنند و به ویژه در نوع صندوق های خانوادگی مردان نظارت کافی وکامل بر عملکرد صندوق ها دارند حتی اگر عضو آن نباشند. مبالغ وام پایین است اما در عین حال گاه شرایط پس انداز را برای خانم ها فراهم می کند که خود به توانایی اقتصادی آن ها می افزاید.

صندوق های نوع دوم و چهارم پیرامون محیط ها و یا مسایل شغلی زنان شکل گرفته است. در نوع چهارم که معمولا تنها از زنان تشکیل شده است عملا شبکه حمایتی مناسبی در اختیار زنان قرار می گیرد که آنان را از نظر مالی حمایت کرده و زمینه کار و فعالیت در عرصه اقتصادی (اغلب غیررسمی) را برای آنان فراهم می کند. وام های دریافتی در چهارمین نوع صندوق ها مانند نوع اول کاملا از منابع مالی داخل اجتماع فراهم می شود و معمولا اهداکنندگان بیرونی در این باره فعال نیستند. این امر سطح بالایی از اعتماد به نفس را برای زنان فراهم می کند.این وام ها همچنین فرصت ایجاد کسب و کار و استقلال اقتصادی را به طور نسبی برای آنان فراهم می کند. از اینرو به نظر می رسد این نوع از صندوق ها که به طور خودجوش توسط زنان طراحی و اجرا شده است می تواند زمینه ی توانمندی آن ها را فراهم کرده و نقشی مشابه اعتبارات خرد را فراهم کند بدون آن که خطر ورود پول های بیرونی را در پی داشته باشد(علیرضانژاد و حایری, ۱۳۹۰). به نظر می رسد با مطالعات بیشتر این صندوق ها- به مثابه مدل بومی اعتبارات خرد- بتوانند در توانمندسازی زنان کارآمد باشند.

پی نوشت‌ها

۱. در بسیاری از موارد این برگه چک ممکن است با همکاری یک دوست یا خواهر فراهم شود.

2. Elycher

۳. خانم روستایی مسنی در باره خاطرات آن دوران می گفت که پسر ارشدش مایل بود که املاکی را که حقوق دارایی (وثوقی و محمدی، ۱۳۹۰: ۵۲) آن به نام مادر بود، در اختیار خود در آورد. روزی او به مادر می گوید که مادر خان مایل به ملاقات با اوست. مادر با لباس مرتب به همراه پسر به منزل خان می رود. البته مادر خان به دیدن او نمی آید. اما حضور مادر به همراه پسر، بدون آن که کسی با او گفتگو کند، به مثابه رضایت او برای تغییر حق نسق به نام پسر ارشد تعبیر می شود. نسق به نام پسر تغییر می کند و مادر و بقیه فرزندان از هر گونه حقی محروم می شوند. او مدت ها بعد می فهمد که حضور او در منزل خان در آن روز به چه منظور بود.

4. personal empowerment
5. social empowerment
6. networking
7. collective empowerment
8. political empowerment
9. economic empowerment
10. Liz kelly
11. Moyle
12. Dollard
13. Moser
14. Matin
15. Mini- Economy

16. transactions cost

۱۷. اشکال متفاوتی از همیاری به ویژه در بین زنان در مناطق مختلف ایران شناسایی شده است اما در این پژوهش ما بر صندوق های قرض الحسنه به مثابه مدل بومی اعتبارات خرد متمرکز هستیم.

۱۸. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله علیرضانژاد و حایری ,۱۳۹۰

۱۹. این مدل را شاید بتوان با نوعی واره پول که فرهادی در کتاب خود به آن اشاره می کند، مشابه دانست. برای اطلاعات بیشتر به کتاب واره اثر فرهادی نگاه کنید.

۲۰. در مواردی زنان خیر نیز در صندوق ها همکاری داشتند. در خلال مصاحبه ها مشخص شد که اغلب بانوان خیر درگیر فعالیت های اداری صندوق نیستند، بلکه به معرفی افراد نیازمند و حمایت و ضمانت آن ها بسنده می کنند

منابع

۱. دیلینی، تیم (۱۳۸۷). **نظریه های کلاسیک جامعه شناسی** (چاپ اول). بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نشرنی

۲. دیهیم، حمید و وهابی، معصومه (۱۳۸۲). **پژوهش زنان**. "دسترسی زنان به اعتبارات نظام بانکی". دوره ۱، سال ۳، شماره ۷. پاییز، صص ۸۷-۶۱.

۳. شادی طلب، ژاله (۱۳۸۱). **توسعه و چالش های زنان در ایران** (چاپ اول). تهران: نشر قطره

٤. شکوری، علی؛ رفعت جاه، مریم؛ جعفری، معصومه (۱۳۸۶). **پژوهش زنان "**مولفه های توانمندی زنان و تبیین عوامل موثر بر آن ها". دوره ۵، شماره ۱.

۵. فرخی، طاهره **(۱۳۷۶). ماهنامه تعاون** "نقش زنان در توسعه پایدار، تواناسازی زنان". دوره جدید شماره ۷۴

۶. فرهادی، مرتضی (۱۳۸۰). **واره** (چاپ اول). تهران: وزارت جهاد کشاورزی معاونت ترویج و مشارکت مردمی

۷. معظمی، میترا؛ رحیمی، عباس؛ طایفه حیدری، اعظم (۱۳۸۴). **مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی**. تهران: بانک کشاورزی "بررسی پوشش و پایداری برنامه های اعتبار خرد (مطالعه موردی- صندوق اعتبار خرد برای زنان روستایی"

۸. نجفی، بهاالدین (۱۳۸۴). **مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستای و فقرزدایی**. تهران: بانک کشاورزی "تجربه اعتبارات خرد در کشاورزی سنتی و دهقانی ایران"

۹. علیرضانژاد، سهیلا ؛ حایری، شهلا (۱۳۹۰). **فصلنامه رفاه و توسعه اجتماعی**. "پول، جنسیت، توسعه: مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنان زنبوردار رامه". سال سوم. شماره ۷، تابستان: ۱۹۱-۲۳۱

۱۰. وثوقی، منصور و محمدی، احمد (۱۳۹۰). **مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی ایران، "**حقوق دارایی و کنش جمعی برای استفاده مشاعات". سال سوم، شماره چهارم، پاییز: ۶۳-۵۱

11. Anderson, Siwan; Baland, Jean- Marie (2002). The Economic of ROSCAs and Intra- Household Resource Allocation, **The Quarterly of Economic**, Vol. 117 No. 3: 963-995, http://www.eea.esem.com 21/Nov/2010

12. Alirezanejad, Soheila (2013). "Saving or Spending Money: Women Making Decision in Rural Iran". **Journal of Middle East Women's Studies,** Vol. 9, No. 1 (Winter) 110-125

13. Boserup, Reem (1980). **Women's Role in Economic development**. New York: St. Martin's Press.

14. Creswell, John W. (1994). **Research Design: Qualitative and Qualitative Approaches**. California: Sage Publications

15. Elycher, Julia (2002). "Empowerment Money: The World Bank, Non- Governmental Organizations, and the Value of Culture in Egypt". **Public Culture**, 14(3): 493-513

16. Elycher, Julia (2010). "Public Labor, Poor Theory and Revisiting Empowerment in Cairo". Critical Theory Institute, UCI, 2010

17. Hashemi, Syed M. (1996). NGO Accountability in Bangladesh: Beneficiaries, Donors and the State, Beyond the Magic Bullet NGO Performance and Accountability in the Post- Cold War World. West Hortford Conn: Kumarian.

18. Matin, imran; Hulmeel, david; Rutherford, Stuart (2002). "Finance for the poor: From Microcredit to Microfinancial Services". **Journal of International development**, 14. 273-294.

19. Moyle, tracy L. and Dollard, Maurseen F. (2008). "Rural and Indigenous Australian Women Working towards Empowerment: A proposed cross Cultural Study". **International Journal of Rural Management**, 4: 153

20. Peterson, Andrew N. Hughey, Joseph (2004). "Social Cohesion and Interpersonal empowerment: Gender as moderator", **Health Education research Theory, practice**. Vol. 19, 2004 5: 533-542

21. Reinharz, Shulamit (1992). **Feminist Methods in Social Research**. NewYork: Oxford University Press

22. Rowlands, Jo (1995). "Empowerment Examined". **Development in Practice**. Vol. 5 No. 2 May. http://www.jstor.org/stable/4028929.

23. Woolsey Biggart, Nicolo (2001). **Banking on Each Other: the Situational Logic of Rotating Savings and Credit Associations, Advances in Qualitative Organization Research**, Volume 3: 129-153

24. Yunus, Mohammad (2007). **Banker of the Poor, micro-lending and the Battle against World Poverty**. US: Public affairs